

رابطه بین هوش هیجانی و رضایت زناشویی در زوجین

Relationship between emotional intelligence and marital satisfaction in couples

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۹/۲۹ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۲/۱۶

Aliakbari-Dehkordi M. Ph.D.✉

مهناز علی اکبری دهکردی ✉

Abstract

Introduction: Specialists and researchers believe that emotional intelligence can have important applications and effects on different human activities such as leadership and direction of others, professional growth, mental health, family life, and marital life. Therefore, the aim of this research was to study the relationship between emotional intelligence and marital satisfaction in married women and their husbands.

Method: 500 married women employed in Tehran state administrations, organizations, and companies and their husbands were selected by random stratified sampling. The necessary information was collected using Petrides and Furnham's Emotional Intelligence Scale and Najarian Family Assessment Tool. To analyze data statistically, Pearson's correlation coefficient and multivariate regression were employed.

Results: The results showed that there is a significant positive correlation between emotional intelligence and marital satisfaction of women and their husbands. In addition, emotional intelligence of women and their spouses can explain 35% of women's marital satisfaction variance and 6% of their husbands marital satisfaction variance.

Conclusion: Considering the significant positive correlation between emotional intelligence and marital satisfaction in married women and their husbands, quality of emotional intelligence can be considered as influential and fundamental construct in improving and reinforcing satisfactory marital relationships. Therefore, effective measures can be taken by training of the emotional intelligence role in improving interpersonal and marital relationships.

Keywords: Emotional Intelligence, Marital Satisfaction, Married Women

چکیده

مقدمه: صاحب‌نظران و پژوهشگران معتقدند که هوش هیجانی می‌تواند کاربردها و تأثیرات مهمی بر فعالیت‌های گوناگون آدمی نظیر رهبری و هدایت‌شدن دیگران، رشد حرفه‌ای، سلامت روانی، زندگی خانوادگی و زناشویی داشته باشد. بنابراین هدف پژوهش حاضر بررسی رابطه بین هوش هیجانی و رضایت زناشویی در زنان متأهل و همسرانشان بود.

روش: ۵۰۰ نفر از زنان متأهل شاغل در ادارات، سازمان‌ها و شرکت‌های دولتی شهر تهران و همسران آنان به شیوه نمونه‌گیری طبقه‌ای تصادفی انتخاب شدند. اطلاعات لازم به‌وسیله پرسشنامه مقیاس هوش هیجانی پتریدز و فارنهام و مقیاس سنجش خانواده نجاریان جمع‌آوری شد. جهت تحلیل آماری داده‌ها از ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون چندمتغیری استفاده شد.

یافته‌ها: نتایج نشان داد که بین هوش هیجانی زنان با رضایت زناشویی آنان و همسرانشان رابطه مثبت معنادار وجود دارد. به علاوه، هوش هیجانی زنان و همسرانشان ۳۵ درصد از واریانس رضایت زناشویی زنان پژوهش و ۶ درصد از واریانس رضایت زناشویی همسران را تبیین می‌کند.

نتیجه‌گیری: با توجه به وجود رابطه مثبت معنادار بین هوش هیجانی و رضایت زناشویی در زنان شاغل و همسرانشان، کیفیت هوش هیجانی می‌تواند به عنوان سازه‌ای بنیادین و اثرگذار در روند بهبود و تقویت روابط زناشویی رضایت‌مندان به‌شمار رود. بنابراین می‌توان از طریق آموزش نقش هوش هیجانی در بهبود روابط بین فردی و زناشویی اقدام مؤثر انجام داد.

کلیدواژه‌ها: هوش هیجانی، رضایت زناشویی، زنان متأهل

✉ **Corresponding Author:** Department of Psychology, Faculty of Humanities, Payame Noor University, Tehran, Iran
E-mail: m_akbari@pnu.ac.ir

✉ گروه روانشناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

مقدمه

ازدواج مقدمه تشکیل خانواده است و به عنوان عالی‌ترین رسم اجتماعی برای دستیابی به نیازهای عاطفی و امنیتی افراد بزرگسال همواره مورد تأیید بوده است. علیرغم اینکه ازدواج رضایت‌بخش یکی از عوامل مهم بهداشت روانی جامعه محسوب می‌شود، ولی چنانچه ازدواج و زندگی خانوادگی شرایط نامساعدی برای ارضاء نیازهای روانی زوجین ایجاد کند، نه تنها بهداشت روانی تحقق نمی‌یابد، بلکه اثرات منفی و گاهی جبران‌ناپذیر به‌جا می‌گذارد که اختلالات عصبی، افسردگی و خودکشی از پیامدهای اختلالات خانوادگی می‌باشد [۱].

همراه با شروع قرن جدید، جوامع با معضلات اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی بسیاری مواجه می‌باشند. نظر اغلب کارشناسان بر این است که برای حل بسیاری از مشکلات موجود به شهروندانی نیاز است که نه تنها دارای قابلیت‌های خردمندانه، بلکه به همان نسبت دارای مهارت‌های اجتماعی و هیجانی قابل توجه نیز باشند. تشخیص اهمیت مهارت‌های اجتماعی و توان کنار آمدن مؤثر با دیگر افراد موجبات علاقه‌مندی روزافزون به مفهوم «هوش هیجانی» را فراهم آورده است [۲]. از دیدگاه بار-آن هوش هیجانی دسته‌ای از مهارت‌ها، استعدادها و توانایی‌های غیرشناختی است که توانایی موفقیت فرد را در مقابله با فشارها و محدودیت‌های محیطی افزایش می‌دهد. بنابراین هوش هیجانی از عوامل مهم در موفقیت زندگی فردی می‌باشد. بار-آن معتقد است که تفکر هیجانی قسمتی از تفکر منطقی و هوش کلی است و هوش دارای ابعاد شناختی و هیجانی است. بعد هیجانی هوش دو جزء کلی را شامل می‌شود به عنوان مهارت‌های درون فردی و برون فردی. هوش درون فردی هوشی است که به ما کمک می‌کند تا به افکار و احساسات خود بکشیم. هوش بین فردی به ما کمک می‌کند تا روابط خود با دیگران، همدلی با آنها، برانگیختن بین آنها و فهم ارتباط بین آنها را تنظیم کنیم. بنابراین هوش هیجانی از مجموعه‌ای از مهارت‌ها، توانایی‌ها و تسهیل‌کننده‌های گوناگونی ساخته شده است که بیشتر آنها را می‌توان از طریق یادگیری در دیگران ایجاد کرد یا پرورش داد [۳].

به نظر گلمن (۱۹۹۵) هوش هیجانی توانایی اداره مطلوب حُلق و خو و وضع روانی و کنترل تکانش‌هاست. عاملی است که به هنگام شکست ناشی از دست‌نیافتن به هدف، در شخص ایجاد انگیزه و امید می‌کند. گلمن ضمن مهم شمردن هوش شناختی و هیجانی بیان می‌کند که هوش بهر (IQ) در بهترین حالت خود، تنها عامل ۲۰ درصد موفقیت‌های زندگی است و ۸۰ درصد موفقیت‌ها به عوامل دیگر وابسته است و سرنوشت افراد در بسیاری از موارد در گرو مهارت‌هایی

است که هوش هیجانی را تشکیل می‌دهند [۴].

روابط زوجین بر چهار پایه اصلی ارتباطات عاطفی، ارتباطات شناختی (فکری)، ارتباطات اقتصادی و ارتباطات زناشویی شکل می‌گیرد [۵]. از آنجا که خانواده یکی از ارکان اصلی جامعه و اصلی‌ترین مامن رشد و تکامل زوجین و فرزندان آنان است، در سال‌های اخیر کمک به زوجین برای بهبود روابط زناشویی خود با استفاده از روش‌های مختلف درمان مورد توجه قرار گرفته است. لازمه کمک به زوجین برای حل مشکلات زناشویی، شناخت عوامل و علل مؤثر بر نارضایتی و رضایت زناشویی است. رضایت زناشویی تحت تأثیر عوامل متعددی از جمله نحوه تفکر، ادراک فرد از خود و دیگران، انتظارات فرد از زندگی، ویژگی‌های شخصیتی، هیجان‌ها و ... قرار دارد [۶].

صاحب‌نظران و پژوهشگران که به بررسی مطالعه علمی هوش هیجانی می‌پردازند، معتقدند که هوش هیجانی می‌تواند کاربردها و تأثیرات مهمی بر فعالیت‌های گوناگون آدمی نظیر رهبری و هدایت شدن دیگران، رشد حرفه‌ای، سلامت روانی، زندگی خانوادگی و زناشویی داشته باشد [۷]. مطالعات متعدد در کشورهای مختلف نشان‌دهنده آن است که هوش هیجانی تصویری جامع از توانایی شخص برای دستیابی به موفقیت می‌دهد. به عنوان مثال، نتایج پژوهشی درباره هوش هیجانی و روابط بین فردی که توسط شات و همکاران [۸] انجام شد، نشان داد که افراد با هوش هیجانی بالا پاسخ‌های همراه با مشارکت بیشتری را در مورد همسرانشان داشته‌اند، روابط نزدیک‌تر و محبت‌آمیزتری نشان داده‌اند و رضایت زناشویی بیشتری را در زندگی زناشویی خود تجربه کرده‌اند.

شواهد فراوان نشان می‌دهد که زوجین در جامعه امروزی برای برقراری و حفظ روابط صمیمی و درک احساسات از جانب همسرشان به مشکلات فراگیر و متعددی دچارند. بدیهی است که کمبودهای موجود در کفایت‌های عاطفی و هیجانی همسران در کنار عوامل متعدد دیگر، اثرات نامطلوبی بر زندگی مشترک آنها می‌گذارد که می‌توان به کمبودهایی در توانایی خودآگاهی، خویش‌تنداری، همدلی و توانایی تسکین‌دادن یکدیگر اشاره نمود [۲]. نتایج تحقیقات حاکی از آن است که کفایت‌های عاطفی، توان تحمل تنیدگی و حل مشکلات روزانه را افزایش می‌دهد و این مهارت‌های شخصی می‌تواند فرد را در مقابله با فشارهای ناگهانی محیطی موفق سازند. با توجه به پژوهش‌های انجام‌شده در خصوص روابط همسران، به نظر می‌رسد که مؤلفه‌های هوش هیجانی می‌تواند در رضایت زناشویی مؤثر باشند. روابط صمیمانه زوجین نیاز به مهارت‌های ارتباطی دارد؛ از قبیل توجه افراد به مسائل از دید همسرشان، توانایی درک همدلانه آنچه که همسرشان تجربه نموده است و حساس و آگاه بودن از نیازهای او. شات

کاهش یافت. شرایط ورود در نمونه عبارت بود از: متأهل بودن، شاغل بودن، داشتن مدرک بالاتر از دیپلم برای زن و شوهر، دامنه طول مدت ازدواج ۱ تا ۳۰ سال و مبتلا نبودن به بیماری‌های مزمن جسمانی و روانی. پس از انتخاب نمونه برای جمع‌آوری داده‌ها، پرسشگران آموزش‌دیده بعد از طی مراحل قانونی در مؤسسات انتخاب‌شده حضور پیدا کردند و طی یک جلسه مصاحبه با افرادی که دارای شرایط ورود در نمونه بودند، در مورد پرسشنامه پژوهش و چگونگی تکمیل این پرسشنامه به آنها توضیح دادند و به جهت رعایت موازین اخلاقی در پژوهش، در همان جلسه هدف از پژوهش شرح داده شد و در انتها از افراد خواسته شد، چنانچه تمایل به شرکت در این پژوهش را دارند، با امضاء فرم رضایت، تمایل خود را اعلام کنند. سپس طبق توافق به عمل آمده بین آزمودنی‌ها و پرسشگران، پرسشگران در تاریخ تعیین‌شده به محل کار نمونه مورد نظر مراجعه و پرسشنامه‌های تکمیل‌شده را دریافت کردند. میانگین سن زنان شاغل ۳۴/۳۱ سال با انحراف استاندارد ۷/۷۸ و دامنه سنی آنان ۲۰ تا ۶۴ سال و میانگین سن مردان شاغل ۳۸/۴۱ سال با انحراف استاندارد ۸/۸۳ و دامنه سنی آنان ۲۲ تا ۷۱ سال بود. اکثر زنان مورد بررسی دارای یک یا دو فرزند بوده و فراوانی درصدی آزمودنی‌های بدون فرزند و بالاتر از چهار فرزند ۵/۱ درصد بود. همچنین، اکثر مردان مورد بررسی دارای یک یا دو فرزند بوده و فراوانی درصدی آزمودنی‌های بدون فرزند و بالاتر از چهار فرزند ۵/۵ درصد بود. زنان فوق دیپلم و لیسانس، ۸۱/۲ درصد و مردان فوق دیپلم و لیسانس، ۷۰/۲ درصد اکثریت نمونه مورد بررسی را تشکیل می‌دادند.

در این پژوهش جهت جمع‌آوری داده‌ها از مقیاس هوش هیجانی پترایدز و فارنهام [۱۶] و مقیاس سنجش خانواده، FAD-۱ [۱۷] استفاده شد.

مقیاس هوش هیجانی پترایدز و فارنهام: با تغییر بر روی مقیاس شات [۱۸] و با استفاده از روش تحلیل عوامل بر روی این مقیاس ساخته شد. پترایدز و فارنهام [۱۶] معتقد بودند با تغییراتی که در این مقیاس به وجود آورده‌اند توانایی تشخیص و شناسایی افرادی را که نیاز به راهنمایی و مشاوره دارند پیدا کرده‌اند. علاوه بر آن، این پرسشنامه متشکل از ۳۰ ماده است و به هر ماده از ۱ تا ۷ (کاملاً مخالف تا کاملاً موافق) نمره داده می‌شود و سپس با جمع نمره‌های داده شده، نمره کل آزمون محاسبه می‌شود که ویژگی‌های هوش هیجانی را در چهار عامل نشان می‌دهد؛ عامل اول، خوش‌بینی با ۷ سؤال؛ عامل دوم، درک عواطف خود و دیگران با ۱۰ سؤال؛ عامل سوم، ارزیابی و کنترل هیجانات با ۷ سؤال و عامل چهارم، مهارت‌های اجتماعی با ۶ سؤال که برای

و مالوف [۲] در پژوهشی که بر روی نمونه‌ای از همسران انجام دادند دریافتند افرادی که در هوش هیجانی نمرات بالاتری به دست آورده بودند و همچنین افرادی که به همسرانشان نمرات بالایی داده بودند، به طور معناداری از رضایت زناشویی بالاتری برخوردار بودند. نتایج پژوهش بریکر [۹] نیز نشان داد که بین رضایت زناشویی و هوش هیجانی رابطه معناداری وجود دارد. نتایج پژوهش پانسی و آناند [۱۰] که به بررسی هوش هیجانی و رابطه آن با سازگاری زناشویی و سلامت در ۳۲ زوج هندی پرداختند، حاکی از آن بود که بین هوش هیجانی با سازگاری زناشویی و سلامت و تندرستی عمومی زوجین رابطه مثبت معنادار وجود دارد؛ یعنی سطوح بالاتر هوش هیجانی زوجین با سازگاری زناشویی بالاتر و سلامت و تندرستی بیشتر آنها همراه است.

بنابر این با توجه به پیشینه تحقیقاتی در سال‌های اخیر در کشورهای خارجی پژوهش‌هایی که نقش هوش هیجانی و مولفه‌های آن را در سازگاری زناشویی در زوجین نشان داده باشد، انجام شده است [۹-۱۰] ولی در هیچ یک از این پژوهش‌ها، محققین بر زنان شاغل و همسران آنها متمرکز نشدند در حالی که امروزه شاهد افزایش روزافزون شاغل بودن زنان نسبت به گذشته می‌باشیم که این تغییر نقش‌ها می‌تواند رضایت زناشویی زوجین و همچنین جنبه‌های مختلف زندگی و فرزندان آنان را تحت تاثیر قرار دهد و در بسیاری از موارد می‌تواند به عنوان عاملی موثر در تعارضات زناشویی باشد [۱۱-۱۳]، لذا شناسایی عوامل پیش‌بینی‌کننده رضایت زناشویی در این گروه از زنان و همسران آنان نه تنها می‌تواند در بالا بردن سازگاری زناشویی و کارایی خانواده‌ها موثر باشد بلکه به علت وجود رابطه مثبت بین رضایت زناشویی و سلامت روانی [۱۴-۱۵] می‌تواند محیط‌های ادارات، شرکت‌ها و سازمان‌های دولتی که زنان شاغل در آنجا مشغول به کار هستند را به محیط‌های سالم‌تر و موفق‌تری تبدیل کنند. لذا پژوهش حاضر به بررسی رابطه بین هوش هیجانی و رضایت زناشویی در زنان متأهل شاغل در ادارات، سازمان‌ها و شرکت‌های دولتی شهر تهران و همسران آنها می‌پردازد.

روش

طرح پژوهش حاضر از نوع همبستگی چندمتغیری بود. نمونه پژوهش عبارت بود از ۵۰۰ نفر از زنان متأهل دیپلم و بالاتر از آن، شاغل در ادارات، سازمان‌ها و شرکت‌های دولتی شهر تهران و همسران آنان که به روش طبقه‌ای تصادفی انتخاب شدند. لازم به ذکر است که به علت افت آزمودنی، تعداد آزمودنی‌های زن و مرد پژوهش به ۴۴۶ نفر

تعلق می‌گیرد، نمره کارایی هر خانواده حداقل ۴۵ و حداکثر ۱۸۰، با متوسط عددی ۱۱۲/۵، می‌تواند باشد و متوسط عددی در خرده مقیاس‌ها در «الگوی نقش رفتاری»، ۵۰، در «مشکل‌گشایی»، ۴۴ و در «ارتباط عاطفی» ۱۶ می‌باشد.

اعتبار مقیاس از طریق ضریب آلفای کرونباخ بررسی شد که حاصل ضریب آلفا ۰/۷۵ بود. روایی این مقیاس با استفاده از نمره‌هایی که خانواده‌ها در مقیاس به دست آورده بودند بررسی شد. در یک نمونه ۵۰۳ نفری و با استفاده از یک روش تشخیصی، نمره‌های FAD توانستند ۶۷ درصد خانواده‌های غیربالینی و ۶۴ درصد خانواده‌های بالینی را به درستی پیش‌بینی کنند. بررسی ویژگی‌های روانسنجی FAD-I نشانگر روایی آن است. روایی صوری آن توسط گروه سازنده آن (پستاین و همکاران به عنوان متخصصان روانشناسی خانواده) و نیز توسط گروهی از متخصصان این زمینه، در ایران تأیید گردید. روایی سازه آن از طریق تحلیل عاملی با شیوه تحلیل مؤلفه‌های اصلی و با چرخش واریماکس بررسی شده است. همبستگی بین FAD با ۵۳ ماده و FAD-I با ۴۵ ماده، ۰/۹۹ است که در سطح $p < 0/001$ معنادار می‌باشد. لذا، می‌توان چنین نتیجه گرفت که FAD-I همان قدرت سنجش FAD را دارد، ضمن آنکه تعداد متغیرهایش هشت مورد کمتر است [۱۷]. ضرایب همبستگی FAD با FAD-I و خرده مقیاس‌های آن، به تفکیک جنس، با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون، توسط *نجاریان* [۱۷] محاسبه شد که تمامی ضرایب همبستگی در سطح $P = 0/001$ معنادار بودند.

در پژوهش علی‌اکبری دهکردی [۲۱] اعتبار آزمون از طریق هماهنگی درونی محاسبه گردید و ضریب آلفای کرونباخ کل مقیاس ۰/۹۱ بود که نشانگر سطح بالای هماهنگی درونی آزمون بود. اعتبار مؤلفه‌های FAD-I در کل آزمودنی‌های زن و مرد، به تفکیک، نیز در سطح کاملاً مطلوبی بود. به علاوه به منظور بررسی روایی آزمون اعتباریابی شده توسط *نجاریان* [۱۷]، این مقیاس به‌طور همزمان با آزمون رضایت زناشویی انریچ به آزمودنی‌های مرحله اعتباریابی تحقیق داده شد و ضرایب همبستگی بین FAD-I و خرده‌آزمون‌های آن با آزمون رضایت زناشویی انریچ به تفکیک جنس با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون محاسبه شد که تمامی ضرایب همبستگی در سطح $p < 0/001$ معنادار بودند [۲۱].

در این پژوهش جهت آزمون فرضیه‌های پژوهش از روش‌های آمار استنباطی شامل ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون چندمتغیری استفاده گردید.

یافته‌ها

شاخص‌های توصیفی (میانگین و انحراف استاندارد)

محاسبه هر کدام از عوامل چهارگانه نمره سؤال‌های مربوط به آنها جمع می‌شود. در نیمی از سؤال‌های آزمون هوش هیجانی پترایدز و فارنهام طریقه نمره‌گذاری معکوس می‌شود که شامل سؤال‌های ۲۸، ۲۶، ۲۵، ۲۲، ۱۸، ۱۶، ۱۴، ۳، ۱۲، ۱۰، ۸، ۷، ۵، ۴ و ۲ می‌باشد [۱۹].

پترایدز و فارنهام [۱۶] جهت محاسبه اعتبار مقیاس هوش هیجانی و خرده مقیاس‌های آن ضرایب آلفای کرونباخ ۰/۷۶ تا ۰/۸۶ را به دست آوردند و جهت روایی این مقیاس حساسیت درونی بالای آن را گزارش کردند. *مارانی* [۲۰] با استفاده از روش تحلیل عوامل به هنجاریابی این مقیاس در ایران اقدام کرد و در تحلیل سؤال‌های این مقیاس نشان داد که کلیه سؤال‌های پرسشنامه رابطه مثبت و خوبی با نمره‌های کل پرسشنامه داشتند. ضریب اعتبار پرسشنامه توسط وی به شیوه آلفای کرونباخ محاسبه شد و ۰/۸۱ به دست آمد. نتایج حاصل از بررسی اعتبار مقیاس هوش هیجانی *پترایدز و فارنهام* توسط علی‌اکبری دهکردی [۲۱] نشان داد که ضریب آلفای کرونباخ کل مقیاس برابر با ۰/۷۷ است که نشانگر سطح بالای هماهنگی درونی آزمون می‌باشد. اعتبار مؤلفه‌های آزمون (۰/۷۰، ۰/۷۶، ۰/۷۷، ۰/۷۵) در کل رضایت‌بخش بودند. در پژوهش علی‌اکبری دهکردی [۲۱] به منظور بررسی روایی آزمون هوش هیجانی *پترایدز و فارنهام* [۱۶]، این آزمون به همراه آزمون هوش هیجانی *شات* [۱۸] به نمونه اعتباریابی پژوهش داده شد و ضرایب همبستگی آزمون هوش هیجانی *پترایدز و فارنهام* و خرده مقیاس‌های آن با آزمون هوش هیجانی *شات* محاسبه گردید که ضریب همبستگی کل مقیاس ۰/۴ به دست آمد [۲۱].

مقیاس سنجش خانواده (Family Assessment Device-I): در این پژوهش جهت اندازه‌گیری رضایت زناشویی از مقیاس سنجش خانواده *نجاریان* [۱۷] استفاده شد. این مقیاس به منظور توصیف ویژگی‌های سازمانی و ساختاری خانواده ساخته شده است و برای تمیز خانواده‌های سالم و بیمار و اندازه‌گیری الگوهای تبدیلی میان اعضای خانواده به کار می‌رود. *نجاریان* [۱۷] مقیاس FAD ۵۳ ماده‌ای را از طریق تحلیل عوامل در ایران هنجاریابی کرد. نتایج به دست آمده از پژوهش وی بیانگر ۴۵ ماده و سه سازه منفک (عامل الگوهای نقش رفتاری، عامل مشکل‌گشایی و عامل ارتباط عاطفی) بود.

آزمون FAD-I از نوع نوشتاری است. این خانواده‌آزما هم به شکل انفرادی و هم به شکل گروهی قابل اجرا است. آزمون FAD-I میزان سلامت و کارایی خانواده را می‌سنجد، یعنی هرچه نمره خانواده در این آزمون بالاتر باشد، خانواده سالم‌تر است و کارایی بهتری دارد. با توجه به اینکه تعداد پرسش‌های این آزمون ۴۵ است به هر یک بین ۱ تا ۴ نمره

انحراف استاندارد کل رضایت زناشویی در زنان (۸/۹۵) بیشتر از انحراف استاندارد کل رضایت زناشویی در مردان (۸/۸۹) است. همچنین میانگین و انحراف استاندارد مؤلفه خوش‌بینی در مردان به ترتیب برابر با ۴۷/۸۱ و ۶/۳۱ و در زنان به ترتیب برابر با ۴۷/۴ و ۶/۴۸ است که نسبت به مؤلفه‌های دیگر هوش هیجانی در مردان و زنان بالاتر می‌باشد. همچنین، میانگین و انحراف استاندارد کل هوش هیجانی در زنان به ترتیب برابر با ۱۴۶/۷۶ و ۱۵/۹۶ است که از میانگین و انحراف استاندارد کل هوش هیجانی در مردان (۱۴۵/۵۵ و ۱۵/۹۱) بالاتر است.

نمره‌های متغیرهای پژوهش در جداول ۱ ارائه شده‌اند. همان طور که در جدول ۱ مشاهده می‌شود، میانگین و انحراف استاندارد مؤلفه الگوهای نقش رفتاری در مردان به ترتیب برابر با ۴۴/۵۲ و ۵/۰۴ است که نسبت به مؤلفه‌های دیگر رضایت زناشویی در مردان بالاتر می‌باشد و میانگین مؤلفه الگوهای نقش رفتاری در زنان برابر با ۴۴/۰۵ و انحراف استاندارد مؤلفه ارتباط عاطفی در زنان برابر با ۵/۱۲ است که نسبت به مؤلفه‌های دیگر بالاتر است. همچنین، میانگین کل رضایت زناشویی در مردان (۹۵/۹۲) بیشتر از میانگین کل رضایت زناشویی در زنان (۹۵/۴۶) است؛ در حالی که

جدول ۱- شاخص‌های توصیفی رضایت زناشویی و هوش هیجانی و مؤلفه‌های آن در آزمودنیهای پژوهش (N=۸۹۲)

متغیر	میانگین	انحراف استاندارد		
رضایت زناشویی	رضایت زناشویی در همسران	۹۵/۹۲	۸/۸۹	
	ارتباط عاطفی در همسران	۳۱/۴	۴/۸۸	
	الگوهای نقش رفتاری در همسران	۴۴/۵۲	۵/۰۴	
	مشکل‌گشایی در همسران	۲۰/۰۱	۱/۷۵	
	رضایت زناشویی در زنان	۹۵/۴۶	۸/۹۵	
	ارتباط عاطفی در زنان	۳۱/۴۱	۵/۱۲	
	الگوهای نقش رفتاری در زنان	۴۴/۰۵	۵/۰۱	
	مشکل‌گشایی در زنان	۲۰	۱/۷۴	
	هوش هیجانی	هوش هیجانی در همسران	۱۴۵/۵۵	۱۵/۹۱
		درک عواطف خود و دیگران در همسران	۳۵/۶۹	۴/۶۱
خوش‌بینی در همسران		۴۷/۸۱	۶/۳۱	
مهارت‌های اجتماعی در همسران		۳۳/۴	۵/۵۶	
تنظیم و ارزیابی هیجان در همسران		۲۸/۶۴	۴/۸۸	
هوش هیجانی در زنان		۱۴۶/۷۶	۱۵/۹۶	
درک عواطف خود و دیگران در زنان		۳۵/۵۵	۵/۳	
خوش‌بینی در زنان		۴۷/۴	۶/۴۸	
مهارت‌های اجتماعی در زنان		۳۴/۱۶	۵/۲۸	
تنظیم و ارزیابی هیجان در زنان		۲۹/۶۶	۴/۸۸	

هوش هیجانی و مؤلفه‌های آن در همسران با رضایت زناشویی آنان و زنان آنها رابطه مثبت معنادار ($p < 0/01$) دارند. علاوه بر آن، هوش هیجانی و مؤلفه‌های آن در زنان با رضایت زناشویی آنان و همسرانشان رابطه مثبت معنادار ($p < 0/01$) دارند.

جهت بررسی رابطه بین هوش هیجانی و مؤلفه‌های آن با رضایت زناشویی در زنان پژوهش و همسرانشان از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد که خلاصه نتایج آن در جدول ۲ ارائه شده است. همان طور که در جدول ۲ مشاهده می‌شود،

جدول ۲: ضرایب همبستگی هوش هیجانی و مؤلفه‌های آن با رضایت زناشویی در زنان پژوهش و همسرانشان

متغیر	رضایت زناشویی در زنان	رضایت زناشویی در همسران
هوش هیجانی در همسران	۰/۳۵۷***	۰/۶۱***
درک عواطف خود و دیگران در همسران	۰/۳۲۹***	۰/۴۷۴***
خوش‌بینی در همسران	۰/۲۵۵***	۰/۴۶۳***
مهارت‌های اجتماعی در همسران	۰/۲۲۶***	۰/۴۱۸***
تنظیم و ارزیابی هیجان در همسران	۰/۲۶۶***	۰/۴۶۵***
هوش هیجانی در زنان	۰/۵۷۵***	۰/۳۵۹***
درک عواطف خود و دیگران در زنان	۰/۵۴۲***	۰/۳۱***
خوش‌بینی در زنان	۰/۳۲۷***	۰/۲۴۵***
مهارت‌های اجتماعی در زنان	۰/۴۱۱***	۰/۱۶۵***
تنظیم و ارزیابی هیجان در زنان	۰/۴۱۵***	۰/۳۳۳***

*** $P < 0/01$ سطح معنی داری

درصد از واریانس رضایت زناشویی زنان پژوهش را تبیین می‌کنند. علاوه بر آن، ستون ضریب استاندارد بتا نشان می‌دهد که از میان مؤلفه‌های هوش هیجانی زنان پژوهش و همسرانشان، مؤلفه درک عواطف خود و دیگران، مهارت‌های اجتماعی و تنظیم و ارزیابی هیجان در زنان به طور معناداری قادر به پیش‌بینی رضایت زناشویی زنان پژوهش می‌باشند.

همچنین، جهت بررسی نقش پیش‌بینی‌کنندگی مؤلفه‌های هوش هیجانی زنان پژوهش و همسرانشان در رضایت زناشویی زنان پژوهش از همبستگی چندگانه استفاده شد که خلاصه نتایج آن در جدول ۳ ارائه شده است. همان‌طور که در جدول ۳ مشاهده می‌شود، مؤلفه‌های هوش هیجانی زنان پژوهش و همسرانشان به طور همزمان وارد تحلیل شدند که تقریباً ۴۰

جدول ۳: خلاصه نتایج همبستگی چندگانه مؤلفه‌های هوش هیجانی زنان پژوهش و همسرانشان و رضایت زناشویی در زنان پژوهش

متغیر پیش‌بین	B	بتا	T	سطح معناداری	R	مربع R	F	سطح معناداری
درک عواطف خود و دیگران در همسران	-۰/۱۷۷	-۰/۰۹۱	-۱/۸۷۱	۰/۰۶۲				
خوش‌بینی در همسران	-۰/۰۶۸	-۰/۰۴۸	-۱/۰۷۸	۰/۲۸۲				
مهارت‌های اجتماعی در همسران	۰/۰۵۳	۰/۰۳۳	۰/۷۱۹	۰/۴۷۳				
تنظیم و ارزیابی هیجان در همسران	-۰/۱۹۹	-۰/۱۰۸	-۲/۲۹۵	۰/۰۲۲	۰/۶۳۲	۰/۳۹۹	۳۶/۲۸۱	۰/۰۰۰۱
درک عواطف خود و دیگران در زنان	-۰/۵۸۹	-۰/۳۴۹	-۷/۱۶۷	۰/۰۰۰۱				
خوش‌بینی در زنان	۰/۰۰۳	۰/۰۰۲	۰/۰۴۲	۰/۹۶۶				
مهارت‌های اجتماعی در زنان	-۰/۳۲۴	-۰/۱۹۱	-۴/۴۰۷	۰/۰۰۰۱				
تنظیم و ارزیابی هیجان در زنان	-۰/۳۰۳	-۰/۱۶۵	-۳/۷۱	۰/۰۰۰۱				

تقریباً ۱۰ درصد از واریانس رضایت زناشویی همسران را تبیین می‌کنند. علاوه بر آن، ستون ضریب استاندارد بتا نشان می‌دهد که از میان مؤلفه‌های هوش هیجانی زنان پژوهش و همسرانشان، تنها مؤلفه درک عواطف خود و دیگران در همسران به طور معناداری قادر به پیش‌بینی رضایت زناشویی همسران می‌باشد.

به علاوه جهت بررسی نقش پیش‌بینی‌کنندگی مؤلفه‌های هوش هیجانی زنان پژوهش و همسرانشان در رضایت زناشویی همسران از همبستگی چندگانه استفاده شد که خلاصه نتایج آن در جدول ۴ ارائه شده است. همان‌طور که در جدول ۴ مشاهده می‌شود، مؤلفه‌های هوش هیجانی زنان پژوهش و همسرانشان به طور همزمان وارد تحلیل شدند که

جدول ۴- خلاصه نتایج همبستگی چندگانه مؤلفه‌های هوش هیجانی زنان پژوهش و همسرانشان و رضایت زناشویی در همسران

متغیر پیش‌بین	B	بتا	T	سطح معناداری	R	مربع R	F	سطح معناداری
درک عواطف خود و دیگران در همسران	-۰/۰۳۱	-۰/۲۰۱	-۳/۳۵۸	۰/۰۰۱				
خوش‌بینی در همسران	۰/۰۱۳	۰/۱۱۹	۲/۱۷۴	۰/۰۳				
مهارت‌های اجتماعی در همسران	-۰/۰۱۵	-۰/۱۱۸	-۲/۱۰۴	۰/۰۳۶				
تنظیم و ارزیابی هیجان در همسران	-۰/۰۱۴	-۰/۰۹۹	-۱/۷۰۷	۰/۰۸۹	۰/۳۰۸	۰/۰۹۵	۵/۷۲۸	۰/۰۰۰۱
درک عواطف خود و دیگران در زنان	-۰/۰۰۲	-۰/۰۱۳	-۰/۲۱۶	۰/۸۲۹				
خوش‌بینی در زنان	-۰/۰۰۵	-۰/۰۴۳	-۰/۷۷۸	۰/۴۳۷				
مهارت‌های اجتماعی در زنان	۰/۰۰۲	۰/۰۱۴	۰/۲۵۸	۰/۷۹۶				
تنظیم و ارزیابی هیجان در زنان	-۰/۰۰۱	-۰/۰۱	-۰/۱۸۴	۰/۸۵۴				

جدول ۵: خلاصه نتایج همبستگی چندگانه هوش هیجانی زنان پژوهش و همسرانشان و رضایت زناشویی در زنان پژوهش و همسرانشان

متغیر پیش‌بین	B	بتا	T	سطح معناداری	R	مربع R	F	سطح معناداری
زنان هوش هیجانی در همسران	-۰/۰۹۱	-۰/۱۶۱	-۳/۸۹۹	۰/۰۰۰۱	۰/۵۹۴	۰/۳۵۳	۱۲۰/۹۶۸	۰/۰۰۰۱
پژوهش هوش هیجانی در زنان	-۰/۲۸۸	-۰/۵۱۴	-۱۲/۴۳۶	۰/۰۰۰۱				
همسران هوش هیجانی در همسران	-۰/۰۱	-۰/۲۲۳	-۴/۴۷۳	۰/۰۰۰۱	۰/۲۴۴	۰/۰۶	۱۴/۰۶۷	۰/۰۰۰۱
همسران هوش هیجانی در زنان	-۰/۰۰۲	-۰/۰۴۶	-۰/۹۳۱	۰/۳۵۲				

از کشور [۹، ۱۰، ۲۳-۲۴-۲۵] هماهنگ است. جهت تبیین یافته‌های فوق می‌توان گفت که برای اکثر بزرگسالان، شادمانی در زندگی بیشتر به ازدواجی موفق و روابط زناشویی توأم با رضایت وابسته است تا سایر جنبه‌های زندگی. رضایت زناشویی می‌تواند به طور کامل بر کیفیت زندگی تأثیر گذارد و تحقیقات انجام شده، اهمیت تأثیر آن را بر انواع نتایج بالینی مانند بهداشت روانی، بهداشت جسمانی و حتی طول عمر تأیید نموده‌اند [۲۶]. همچنین رضایت زناشویی در زندگی می‌تواند با رضایت کلی از زندگی رابطه داشته باشد [۲۷]. انسان برای رسیدن به زندگی بهتر و سالم‌تر نیاز دارد بین فکر، احساسات و عواطف خود هماهنگی لازم را به وجود آورد و متناسب با موقعیت‌های زندگی از آنها استفاده نماید. هوش هیجانی از جمله مواردی است که می‌تواند به زندگی افراد جهت دهد و رضایت مناسب‌تری را نسبت به محیط و افراد در آنها به وجود آورد [۲۸]. گلمن [۲۹] بر این عقیده است که هوش هیجانی موجب شادی و خوشبختی افراد می‌گردد. وی چهار مهارت اساسی هوش هیجانی را شامل شناخت احساسات خود، تسلط بر احساسات، برانگیختن و ترغیب خود و شناسایی احساسات دیگران و تنظیم روابط خود با دیگران تعریف می‌کند. گلمن [۳۰] معتقد است که هوش هیجانی می‌تواند کیفیت عمومی زندگی و موفقیت‌های شخصی و اجتماعی فرد را ارتقا دهد. شواهد فراوان نشان می‌دهد که زوجین در جامعه امروزی برای برقراری و حفظ روابط صمیمی و درک احساسات از جانب همسرشان به مشکلات فراگیر و متعددی دچارند. بدیهی است که کمبودهای موجود در کفایت‌های عاطفی و هیجانی همسران در کنار عوامل متعدد دیگر، اثرات نامطلوبی بر زندگی مشترک آنها می‌گذارد که می‌توان به کمبودهایی در توانایی خودآگاهی، خویشتنداری، همدلی و توانایی تسکین دادن یکدیگر اشاره نمود [۲]. نتایج تحقیقات حاکی از آن است که کفایت‌های عاطفی، توان تحمل تنیدگی و حل مشکلات روزانه را افزایش می‌دهد و این مهارت‌های شخصی می‌توانند فرد را در مقابله با فشارهای ناگهانی محیطی موفق سازند. با توجه به پژوهش‌های انجام شده در خصوص روابط همسران، به نظر می‌رسد که مؤلفه‌های هوش هیجانی می‌توانند در رضایت زناشویی مؤثر باشند. روابط صمیمانه زوجین نیاز به مهارت‌های ارتباطی دارد؛ از قبیل توجه افراد به مسائل از دید همسرشان، توانایی درک همدلانه آنچه که همسرشان تجربه نموده است و حساس و آگاه بودن از نیازهای او [۲]. صاحب‌نظران و پژوهشگران که به بررسی مطالعه علمی هوش هیجانی می‌پردازند معتقدند که هوش هیجانی می‌تواند

همچنین، جهت بررسی نقش پیش‌بینی‌کنندگی هوش هیجانی زنان پژوهش و همسرانشان در رضایت زناشویی زنان پژوهش و همسرانشان از همبستگی چندگانه استفاده شد که خلاصه نتایج آن در جدول ۵ ارائه شده است. همان طور که در جدول ۵ مشاهده می‌شود، هوش هیجانی زنان پژوهش و همسرانشان به طور همزمان وارد تحلیل شد که تقریباً ۳۵ درصد از واریانس رضایت زناشویی زنان پژوهش و تقریباً ۶ درصد از واریانس رضایت زناشویی همسران را تبیین می‌کند. علاوه بر آن، ستون ضریب استاندارد بتا نشان می‌دهد که هوش هیجانی زنان پژوهش و همسرانشان به طور معناداری قادر به پیش‌بینی رضایت زناشویی زنان پژوهش و همسرانشان می‌باشد.

بحث

با توجه به اینکه هدف از پژوهش حاضر بررسی رابطه بین هوش هیجانی و رضایت زناشویی در زنان متأهل و همسرانشان بود، یکی از اهداف اصلی این پژوهش پاسخ به این سؤال بود که آیا بین هوش هیجانی و رضایت زناشویی در زنان متأهل و همسران آنها رابطه وجود دارد که نتایج به‌دست آمده از پژوهش نشان داد، بین هوش هیجانی در زنان با رضایت زناشویی آنان و همسرانشان رابطه مثبت معنادار وجود دارد. علاوه بر آن، بین هوش هیجانی در همسران و رضایت زناشویی آنان و زنان آنها نیز رابطه مثبت معنادار وجود دارد. همچنین، نتایج حاکی از آن بود که هوش هیجانی زنان و همسرانشان ۳۵ درصد از واریانس رضایت زناشویی زنان پژوهش و ۶ درصد از واریانس رضایت زناشویی همسران را تبیین می‌کند سؤال دوم پژوهش عبارت بود از اینکه آیا بین مؤلفه‌های چهارگانه هوش هیجانی و رضایت زناشویی در زنان متأهل و همسران آنها رابطه وجود دارد که نتایج به‌دست آمده حاکی از آن بود که مؤلفه‌های هوش هیجانی تقریباً ۴۰ درصد از واریانس رضایت زناشویی زنان پژوهش و تقریباً ۱۰ درصد از واریانس رضایت زناشویی همسران را تبیین می‌کنند. علاوه بر آن، از میان مؤلفه‌های هوش هیجانی، مؤلفه درک عواطف خود و دیگران، مهارت‌های اجتماعی و تنظیم و ارزیابی هیجان در زنان به طور معناداری قادر به پیش‌بینی رضایت زناشویی زنان پژوهش و مؤلفه درک عواطف خود و دیگران در همسران به طور معناداری قادر به پیش‌بینی رضایت زناشویی همسران بود. همچنین، نتایج این پژوهش حاکی از آن بود که بین مؤلفه‌های هوش هیجانی (توجه، وضوح، بازسازی حُلقی) و رضایت زناشویی همبستگی مثبت معنادار وجود دارد. این نتایج با برخی یافته‌های به‌دست آمده در داخل کشور [۲، ۶، ۲۲] و خارج

رضایت زناشویی در زنان شاغل و همسرانشان، کیفیت هوش هیجانی می‌تواند به عنوان سازه‌ای بنیادین و اثرگذار در روند بهبود و تقویت روابط زناشویی رضایت‌مندان در زنان شاغل و همسرانشان به‌شمار رود. بنابراین، می‌توان از طریق آموزش نقش هوش هیجانی در بهبود روابط بین فردی و زناشویی زنان شاغل و همسرانشان اقدام مؤثر انجام داد.

تشکر و قدردانی

از تمامی کارمندان مشغول در ادارات و شرکت‌های دولتی که در انجام این تحقیق یاری کردند، کمال تشکر را دارم.

منابع

- 1- Aliakbari-Dehkordi M. Relationship between women sexual function and marital adjustment. *J Bbehav Sci.* 2010; 4(3):199-206. [Persian]
- 2- Mahanian-Khamene M, Borjali A, Salimizadeh MK. The study of the relationship of emotional intelligence and marital satisfaction. *J Psychol.* 2007; 10(3):308-20. [Persian]
- 3- Kimiaee SA, Raftar MR, Soltanifar A. Effect of emotional intelligence reinforcement program on controlling of teenagers bullying behavior. *J Bbehav Sci.* 2012; 5(4): 297-303. [Persian]
- 4- Karimzade M, Akhavan-Tafti M, Kiamanesh AR, Akbarzade N. Effect of teaching the social-emotional skills on developing these skills. *J Bbehav Sci.* 2009; 3(2): 143-9. [Persian]
- 5- Aliakbari-Dehkordi M, Keyghobadi SH. The relationship of sexual function with mental health and marital adjustment in women referred to Tehran Psychiatry Institute [Dissertation]. Payame Noor University; 2009. [Persian]
- 6- Soleimani AA, Mohammadi A. The study of the relationship of emotional intelligence and marital satisfaction. *Edu Res Bull.* 2009; 19:131-50. [Persian]
- 7- Ciarrochi JV, Chan AYC, Caputi PA. Critical evaluation of the emotional intelligence construct. *Pers Indiv Diff.* 2004; 28(3):539-61.
- 8- Schutte NS, Malouff JM, Bobik C, Coston TD, Greeson C, Jedlicka C, Rhodes E, Wendorf G. Emotional intelligence and interpersonal relations. *J Soc Psychol.* 2001; 141(4):523-36.
- 9- Bricker D. The link between emotional intelligence and marital satisfaction. MA dissertation. University of Johannesburg; 2005.
- 10- Pandey R, Anand T. Emotional intelligence and it's relationship with marital adjustment and health of spouse. *Indian J Soc Sci Res.* 2010; 7(2):38-46.
- 11- Baghban A, Moradi M. The efficacy of family therapy on marital conflict in divorce request. *Qart Sci Res.* 2003; 16:32-47. [Persian]
- 12- Warner D. Work family balance: A gender analysis. *J Fam Eco.* 2003; 20(2):191-215.
- 13- Hertz RD. Career couples and the American dream. *J Comp Fam Stud.* 1991; 22: 247-63.
- 14- Al-Krenawi A, Graham JR. A comparison of family functioning, life and marital satisfaction, and mental health of women in polygamous and monogamous marriages. *Int J Soc Psychiat.* 2006; 52(1):5-17.
- 15- Maltaby J, Day L, Mccutcheon LE, Gillett R, Houran

کاربردها و تأثیرات مهمی بر فعالیت‌های گوناگون آدمی نظیر رهبری و هدایت شدن دیگران، رشد حرفه‌ای، سلامت روانی، زندگی خانوادگی و زناشویی داشته باشد [۷]. مطالعات متعدد در کشورهای مختلف نشان دهنده آن است که هوش هیجانی تصویری جامع از توانایی شخص برای دستیابی به موفقیت می‌دهد. به عنوان مثال، نتایج پژوهشی درباره هوش هیجانی و روابط بین فردی که توسط شات و همکاران [۸] انجام شد، نشان داد که افراد با هوش هیجانی بالا پاسخ‌های همراه با مشارکت بیشتری را در مورد همسرانشان داشته‌اند، روابط نزدیک‌تر و محبت‌آمیزتری نشان داده‌اند و رضایت زناشویی بیشتری را در زندگی زناشویی خود تجربه کرده‌اند. همچنین، به دلیل اینکه زنان شاغل در جامعه دارای نقش‌های چندگانه هستند و در موقعیت‌های مختلف در خانواده و در محیط کار انتظارات رفتاری متفاوتی از آنها وجود دارد و به علت احتمال وجود تعارض نقش‌ها در آنان امکان ایجاد تنش در خانواده آنان وجود دارد [۱۳-۱۱] و این خود می‌تواند سبب کاهش رضایت زناشویی در این زوجین شود. لذا در چنین زوجینی لازم است که برخی از توانمندی‌های آنان که در این پژوهش توانایی هوش هیجانی و مولفه‌های آن از جمله درک عواطف خود و دیگران، مهارت‌های اجتماعی و تنظیم و ارزیابی هیجان می‌باشد، بالاتر باشد تا بهتر بتوانند به نقش‌های متفاوت خود پاسخ دهند. از جمله محدودیت‌های مهم در این تحقیق جامعه آماری این پژوهش است که شامل زنان و مردان تهرانی می‌باشد و امکان تعمیم این پژوهش را به سایر زنان و مردان در کشور محدود می‌کند. همچنین، به دلیل اینکه جامعه پژوهش شامل زنان و مردان شاغل دارای تحصیلات بالاتر از دیپلم بود امکان تعمیم نتایج به زنان و مردان غیرشاغل کمتر از دیپلم وجود ندارد. لذا به پژوهشگران آتی پیشنهاد می‌شود که این موضوع را در زنان و همسرانشان در جامعه‌های مختلف تحقیق کنند. همچنین، کنترل برخی از متغیرهای مداخله‌گر مانند سن، نوع شغل و وضعیت اقتصادی می‌تواند در پژوهش‌های بعدی در این زمینه مورد توجه پژوهشگران قرار گیرد. به علاوه، پیشنهاد می‌گردد که پژوهش‌هایی در زمینه هنجاریابی مقیاس‌های فرافرهنگی هوش هیجانی و مقیاس‌های رضایت زناشویی انجام شود و آزمون‌هایی ساخته شوند که تنها بر آزمون‌های خودسنجی متکی نبوده و با کمک آنها بتوان واکنش هیجانی افراد را در موقعیت‌های واقعی یا ساختگی مورد بررسی قرار داد.

نتیجه‌گیری

با توجه به وجود رابطه مثبت معنادار بین هوش هیجانی و

- education and training. *Fam Res Quart.* 2006; 1(4):379-92. [Persian]
- 23- Smith L, Heaven PCL, Ciarrochi J. Trait emotional intelligence, conflict communication patterns and relationship satisfaction. *Pers Indiv Diff.* 2008; 44(6):1314-25.
- 24- Joshi S, Thingujam NS. Perceived emotional intelligence and marital adjustment: Examining the mediating role of personality and social desirability. *J Indian Acad Appl Psychol.* 2009; 35(1):79-86.
- 25- Lavalekar A, Kulkarni P, Jagtap P. Emotional intelligence and marital satisfaction. *J Soc Psychol.* 2010; 5:185-94 .
- 26- Abbasi F. The study of the relationship of sexual function and mental health with satisfaction of Ghazvin married women [Dissertation]. University of Medical Sciences; 2007. [Persian]
- 27- Sprecher S. Equity and social exchange in dating couples: Associations with satisfaction, commitment, and stability. *J Marriage Fam.* 2001; 63(3):599-613.
- 28- Bar-on R. The handbook of emotional intelligence. Tossey-Bass, Wileycompany, Sanfrancisco; 2000.
- 29- Sharifi-Daramadi P. Emotional-social education and training and emotional intelligence role. *Educ Train Quart.* 2008; 2(23):7-31. [Persian]
- 30- Goleman D. Emotional intelligence. New York, Bantam Books; 1998.
- J, Ashe DD. Personality and coping: A context for examining celebrity worship and mental health. *Br J Psychol.* 2004; 95:411-28.
- 16- Petrides KV, Furnham A. On the dimensional structure of emotional intelligence. *Pers Indiv Diff.* 2000; 29: 313-20.
- 17- Najarian F. Effective factors in family efficiency (the study of psychometric characteristics of Family Assessment Device-FAD) [Dissertation]. Roudehen Islamic Azad University; 1996. [Persian]
- 18- Schutte NS, Malouff JM, Hall LE, Haggerty DJ, Cooper JT, Golden CJ., et al. Development and validation of a measure of emotional intelligence. *Pers Indiv Diff.* 1998; 25(2):167-77.
- 19- Guastello DD, Guastello SJ. Androgyny, gender role behavior, and emotional intelligence among college students and their parents. *Sex Roles.* 2003; 49(11/12):663-73.
- 20- Marani M. Normalization of emotional intelligence characteristics inventory among students of Isfahan City. [Dissertation]. Isfahan University; 2004. [Persian]
- 21- Aliakbari-Dehkordi M. The study of relationship between spouse selection standards in marriage time and marital satisfaction after marriage in students. Research design of Payame Noor University; 2008. [Persian]
- 22- Jafaryazdi H, Golzari M. Emotional intelligence and marital adjustment in married women employed in